

عیسی مردم را چگونه می بینند



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مرقس ۸: ۲۲ تا ۲۶؛ یوحنا ۴: ۳ تا ۲۴؛ یوحنا ۱: ۴۰، ۴۱؛ مرقس ۱۲: ۲۸ تا ۳۴؛ لوقا ۲۳: ۳۹ تا ۴۳؛ اعمال ۸: ۲۶ تا ۳۸.

آیه حفظی: بدیشان گفت: «از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم» (متی ۴: ۱۹).

مسیح استاد صید جانهاست. با مشاهده طریقی که او با مردم رفتار میکرد، یاد میگیریم که چگونه دیگران را به سوی شناخت رستگاری از طریق عیسی مسیح سوق دهیم. وقتی با او همراه می شویم تا با او از کوچه های شلوغ بیت المقدس و از مسیرهای خاکی یهودا، و در دامنه های مرتفع جلیل گذر کنیم، در می یابیم که او چگونه اصول ملکوت را برای جستجوی جانها آشکار میکند.

عیسی تمامی زنان و مردان را شایسته ملکوت خویش دید. او همه انسانها را با چشم رحمت و شفقت الهی می دید. او پطرس را نه به عنوان یک ماهیگر خشن و حراف، بلکه به عنوان یک واعظ قدرتمند انجیل دید. او یعقوب و یوحنا را نه به عنوان دو انسان تند خو و آتشین مزاج، بلکه به عنوان مشتاقان بیان کننده فیض خود دید. او اشتیاق عمیق را در قلبهای مریم مجدلیه، زن سامری و مریم مادر عیسی به منظور پذیرش محبت حقیقی دید. او توما را نه به عنوان یک شکاک بدبین، بلکه به عنوان یک مخلص صادق با سؤالات صادقانه و بی ریا دید. چه یهودی یا غیر یهودی، مرد یا زن، دزد بر روی صلیب، فرمانده نظامی، یا مرد دیوانه ای که روح پلید داشت؛ عیسی مسیح در آنان استعداد خدادادیشان را دید و به آنان از دیدگاه رستگاری نگاه کرد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۸ تیر - ۱۸ جولای آماده شوید.

دومین لمس

در کل کتاب مقدس فقط یک معجزه از طرف عیسی موجود است که او در دو مرحله آنرا به انجام میرساند. و این شفای فرد نابینا در بیت صیدا است. این حکایت درس‌هایی را بدون محدودیت زمانی در تاریخ، در اختیار کلیسای مسیح میگذارد. این برنامه خداوند برای هر یک از ایمانداران است تا با بهره گرفتن از آن فرد دیگری را به سوی مسیح سوق دهند. کلام خداوند می‌گوید، «و چون به بیت صیدا رسیدند، عده ای مردی نابینا را نزد عیسی آوردند، تمنا کردند بر او دست بگذارد» (مرقس ۸: ۲۲). در اینجا کلمه مهم و کلیدی «آوردند» و «تمنا کردند» وجود دارد. مرد نابینا با میل خویش برای شفا نزد عیسی نیامده بود. دوستانش نیاز او را به شفا دیدند پس او را آوردند. اگرچه ممکن است مرد نابینا ایمان زیادی به مسیح نداشت، اما دوستانش او را نزد مسیح آوردند. زیرا آنان ایمان داشتند که مسیح میتواند آن مرد نابینا را شفا بخشد.

در عهد جدید حدوداً ۲۵ معجزه شفابخش جدا از هم وجود دارد که توسط مسیح انجام گرفته است. در بیش از نیمی از آنها یکی از بستگان یا دوستان فرد او را برای بهبودی نزد مسیح آورده‌اند. بسیاری از مردم هرگز نزد مسیح نخواهند آمد مگر اینکه کسانی که ایمان آورده‌اند آنان را نزد او بیاورند. نقش ما در اینجا «معرفی» مسیح و آوردن مردم نزد اوست.

دومین کلمه ای که در مرقس باب ۸: ۲۲ مورد توجه ما قرار می‌گیرد، کلمه «تمنا» است که میتواند به معنای التماس، درخواست، ترغیب باشد. این مطلب حاکی از یک خواهش ملایم، مهربانانه و مؤدبانه است تا اینکه تقاضائی گستاخانه و طلبکارانه باشد. دوستان این مرد نابینا با مهربانی به عیسی متوسل شدند، و معتقد بودند که عیسی هم تمایل و هم قدرت این را دارد که به او کمک کند. ممکن است این مرد آنقدر ایمان نداشته باشد که عیسی بتواند او را شفا بخشد، اما دوستانش ایمان داشتند و اینکار را کردند. گاهی اوقات ما باید دیگران را سوار بر بال ایمان خود بسوی عیسی مسیح ببریم.

مرقس باب ۸: ۲۲ تا ۲۶ را بخوانید. چرا فکر میکنید مسیح در دو مرحله مرد نابینا را شفا داد؟ این حکایت، امروز برای ما به عنوان شاهدان مسیح چه درس‌هایی دارد؟

آیا امکان دارد ما هم، مردم را به دیده روشن ببینیم؟ آیا ما نیز گاهی اوقات به جای دیدن آنها به عنوان کاندیدهای ورود به پادشاهی خداوند، آنان را بیشتر شبیه «درختانی متحرک» در سایه ای از ابهام می‌بینیم؟ به نظر شما چه چیزی باعث میشود تا هر از گاهی مردم را به وضوح ببینیم؟

علاوه بر این درس مشهود و روشن درباره نحوه بکارگیری خداوند از ما برای دستیابی به انسان‌ها، چه چیز دیگری میتوانیم از این حکایت بیاموزیم؟ به عنوان مثال، چگونه میتوانیم بیاموزیم که هم علم پزشکی و هم مسائل روحانی می‌توانند هر دو سهمی در بهبودی [شفا] و هدایت انسان‌های گمراه داشته باشند؟

دوشنبه

۲۵ فروردین

درسی از پذیرش

عیسی با الگو بودن برای حواریون میخواست تا آنان هم با نگرشی جدید هر فرد را ببینند. مسیح به حواریون آموخت که چگونه مردم را از منظر الهی ببینند. نگاه او به مردم ریشه ای و عمیق بود. او آنان را میدید، اما نه آنطور که به نظر می‌رسیدند، بلکه به صورتی که ممکن بود درآیند. مسیح در تمام تعاملاتش با مردم، با آنها با عزت و احترام رفتار کرد. او اغلب با طرز رفتار و برخورد خود با مردم، حواریون را شگفت زده میکرد. این امر به ویژه در برخوردش با زن سامری صادق است.

مطالعات باستانشناسی کتاب مقدس این نظریه جالب در مورد رابطه بین یهودیان و سامریان را بیان میکند: «شکاف میان سامریان و یهودیان از همان دوران اولیه است. بر اساس دوم پادشاهان باب ۱۷، سامریان از نوادگان مردمی بودند که در بین النهرین می‌زیستند، کسانی که توسط پادشاه آشوری در ۷۲۲ قبل از میلاد تبعید شده و مجبور شدند تا در سرزمینهای شمالی اسرائیل مستقر شوند. آنان پرستش یهوه را با عبادات بت پرست در هم آمیختند [The Archaeological Study Bible] (انتشارات زاندروند، ۲۰۰۵)، صفحه ۱۷۲۷]. آنها علاوه بر این شیوه‌های بت پرستی به منظور شبیه سازی، کهنات رقیب را بوجود آورده و معابدی رقیب را بر روی کوه جرزیم ساختند. با توجه به چنین اختلاف عقیدتی با سامریان، شاگردان مسیح میبایستی متعجب شده باشند زمانیکه عیسی مسیر راه سامره را برای رفتن به سمت جلیل انتخاب کرد. آنها تعجب کردند که عیسی خود را درگیر بحث مذهبی نمیکند. او بی‌درنگ درخواست زن سامری برای پذیرش، محبت، و بخشش را اجابت نمود.

یوحنا باب ۴:۳ تا ۴:۳۴ را بخوانید. چگونه عیسی به زن سامری نزدیک شد؟ واکنش زن سامری به گفتگوی مسیح با او چه بود؟ واکنش حواریون به این ماجرا چه بود و چگونه عیسی دیدگاه آنان را تغییر داد؟

درس ماندگاری که عیسی آرزو داشت تا به شاگردانش و هر یک از ما تعلیم دهد، به همین سادگی است: «کسانی که روح مسیح را دارند، همه انسان‌ها را از دیدگاه شفقت الهی می‌بینند» (الن جی وایت، نشانه‌های زمان، ۲۰ ژوئن، ۱۸۹۲).

افرادیکه شما به خاطر تاثیرات فرهنگی و اجتماعی خودتان، گرایش دارید به آنان به دیده تحقیر یا عدم احترام نگاه کنید، چه کسانی هستند؟ چرا باید نگرش خود را تغییر دهید، و چگونه می‌توان این تغییر را بوجود آورد؟

۲۴ تیر

سه شنبه

از جاییکه هستید شروع کنید

شخصی این سخن بجا را گفته است، «تنها نقطه ای که در زندگی باید از آنجا شروع کرد، جایی است که شما در آن آنجا هستید، زیرا مکان دیگری برای شروع وجود ندارد». عیسی در اعمال باب ۱: ۸ این اصل را تاکید میکند، «اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دور افتاده‌ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود».

پیام مسیح به شاگردانش بسیار روشن‌تر و واضح‌تر از آن بود که فهمیده نشود: از جایی شروع کنید که در آنجا هستید. در آنجایی که خداوند شما را قرار داده، شاهد باشید. به جای آنکه در رویای بدست آوردن فرصت‌های بهتر باشید از اطرافیان خود شروع کنید. فرصتهایی که در نزدیکی شما می‌باشد را با چشمان الهی ببینید!

نیازی نیست که شما تحصیل کرده‌ترین، سخنورترین و با استعدادترین فرد جهان باشید. در هر حال با بهره‌گیری درست از برخی از این عطایا می‌توان مفید بود، و در آخر اینکه، در کلانچ که بدان نیاز دارید، عشق به خداوند و عشق و علاقه برای نجات جان‌هاست. اگر مایلید تا شاهد مسیح باشید، خداوند راه انجام اینکار را برای شما باز میکند.

یوحنا باب ۱: ۴۰، ۴۱؛ یوحنا ۵: ۶ تا ۱۱، و یوحنا ۱۲: ۲۰ تا ۲۶ را بخوانید. این آیات چه چیزی را در مورد بینش روحانی اندریاس و عملکرد او برای شاهد مسیح بودن، به ما میگویند؟

تجربه و حکایت اندریاس به روشنی با ما سخن می‌گوید. او با خانواده خودش شروع کرد. او ابتدا با برادرش درباره مسیح صحبت کرد. اندریاس با پسر بچه‌ای که نان جو و

دو ماهی داشت ایجاد دوستی و ارتباط برقرار کرد و سپس برای مسیح مواد غذایی متعلق به او را فراهم کرد تا معجزه خود را نشان دهد، در اینجا استعداد اندریاس فقط این بود که میدانست چگونه باید با یونانیان رفتار کرد. به جای بحث در مورد مسائل عقیدتی، او نیاز مردم را حس کرد و آن را با مسیح در میان گذاشت.

هنر موثر صید جان‌ها، هنر برقراری روابط مثبت و دلسوزانه است. به افراد نزدیک خود که ممکن است عیسی را نشناسند فکر کنید. آیا آنان وجود شخصی مهربان و دلسوز را در زندگی شما حس میکنند؟ آیا در شما آرامش و هدفی را می بینند، که آرزوی آنرا داشته باشند؟ آیا زندگی شما تبلیغی برای انجیل است؟ ما با شناساندن عیسی مسیح به دیگران، بین آنان و خداوند دوستی ایجاد میکنیم. آنان دوستان مسیحی میشوند و سر انجام، همانطور که ما پیام زمان آخر خداوند در مورد حقایق کتاب مقدسی را با آنان به اشتراک میگذاریم، شاید آنان به عضویت مسیحیان کلیسای روز هفتم ادونتیست در آیند.

چرا هدایت اعضای فامیل و بستگان خودمان به سوی مسیح در برخی مواقع بسیار دشوار است؟ آیا تا به حال در معرفی مسیح به یکی از اعضای خانواده یا دوستان نزدیک خود موفق بوده‌اید؟ اصولی را که ممکن است برای کلاس مفید باشد به اشتراک بگذارید.

تیر ۲۵

چهارشنبه

سر و کار داشتن با افراد سختگیر

عیسی، استاد برخورد با افراد سخت گیر بود. او با کلام و اعمال خود ثابت کرد که پذیرای آنان است. او با دلسوزی و حساسیت به دل نگرانیها و سوالاتی که مطرح میکردند گوش میداد، و با حوصله و صبورانه حقایق الهی را برای آنان بیان میکرد. او اشتیاق درونی سخت ترین قلبها را تشخیص میداد و نیروی پنهانی شیطان را در بدترین گناهکاران می دید. از نظر مسیح هیچکس دور از دستیابی انجیل نبود. مسلماً مسیح باور داشت که: «هیچکس آنقدر در گناه نیافتاده، و هیچکس آنقدر بدطینت و فاسد نشده که نتواند رستگار شود، بلکه آنها می‌توانند در عیسی مسیح نجات یابند» (الن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۲۵۸). مسیح به انسان‌ها با دیدگاه متفاوتی نسبت به بقیه ما نگاه میکرد. او در همه انسان‌ها درخشش جلال اولیه و اصیل خلقت را میدید. او حیظه فکری آنان را بالا برد تا بتوانند امکان تحولی را درک کنند که ممکن است در آنها بوجود آید، و بسیاری برای کسب آنچه که او برای زندگی آنان در نظر داشت، نزد او آمدند.

متی باب ۴: ۱۸، ۱۹؛ مرقس ۱۲: ۲۸ تا ۳۴؛ و لوقا ۲۳: ۳۹ تا ۴۳ را بخوانید. چه شباهتی را

در دعوت مسیح از پطرس و یوحنا، یکی از علمای دینی، و دزد بر روی صلیب می بینید؟ رویکرد مسیح را با هر یک از این افراد، به دقت مطالعه کنید. چه چیزی برایتان برجسته است و توجه شما را جلب میکند؟

مسیح به هر جا که می رفت، توانایی های روحانی را می دید؛ وی استعداد درونی نامزدهای احتمالی برای ورود به پادشاهی خداوند را در بعید ترین و محتمل ترین شرایط میدید. ما این توانایی را «رشد دیدگاه کلیسا» می نامیم. بینش رشد یافته کلیسا یک حساسیت پرورش یافته در کلیسا برای دیدن مردم از همان دیدگاهی است که مسیح می دید، یعنی دیدن آنان به عنوان فاتحان و شایستگان ورود به پادشاهی خداوند. همچنین این مستلزم «رشد روحانی گوش های کلیساست»، یعنی شناخت و درک نیازهای بیان نشده از سوی اطرافیان ماست. یعنی شنیدن صدای اشتیاق قلبهای آنان برای چیزهایی که آنان ندارند، حتی اگر آنان آشکارا و صراحتاً آن نیازها را بیان نکنند.

از پروردگار بخواهید تا شما را نسبت به کارگردانی و هدایت روح القدس در زندگی دیگران حساس کند. دعا کنید که خداوند شما را دوباره لمس کند و چشمان شما را باز کند تا فرصتهای روحانی را ببینیم که هر روزه او برای ما فراهم میکند تا ایمانمان را با دیگران به اشتراک بگذاریم. در پی خداوند، برای داشتن چشم بینا، قلب حساس شنوا، و شوق معرفی مسیحی که شما او را شناخته و دوست دارید، برای دیگران باشید، و آنوقت شما در مسیر خود بسوی سفر هیجان انگیز حیات خواهید بود. زندگی معنای کاملاً جدیدی به خود می گیرد. شما چنان احساس رضایت خاطر و شادمانی خواهید کرد که هرگز آنرا قبلاً تجربه نکرده اید. تنها کسانی که برای جانها کار می کنند می توانند رضامندی را درک کنند که از آن حاصل می شود.

۲۶ تیر

پنجشنبه

درک فرصتهای زودگذر

کتاب اعمال رسولان مملو از داستانهایی است که نشان میدهد که چگونه شاگردان مسیح از فرصتهای زودگذر برای پیشرفت ملکوت خداوند بهره گرفتند. یکی پس از دیگری، شرح حالهای شگفت انگیزی را در مورد کلیسای اولیه و چگونگی رشد آن میخوانیم، حتی با وجود چالش هایی که کلیسا چه در داخل و چه از خارج با آنها روبرو بود.

به عنوان مثال، در دوم قرننیاں باب ۲: ۱۲، ۱۳، پولس رسول در مورد تجربه خود در تروآس می گوید: «پس چون برای بشارت انجیل مسیح به تروآس رفتم، دریافتم که خداوند در آنجا دری بزرگ به روی من گشوده است. اما باز آرام نداشتم زیرا برادر خود تیطوس

را نیافتیم. پس با اهالی آنجا وداع کرده، به مقدونیه رفتیم.» خدا به طرز معجزه آسایی راه را برای پولس باز کرد تا انجیل را در قاره اروپا موعظه کند، و او میدانست درهایی را که امروز خداوند باز کرده، شاید فردا بسته شوند و دیگر فرصتی برای تبلیغ انجیل نباشد. او با استفاده از فرصت پیش آمده و دیدن امکانات موجود بلافاصله به سوی مقدونیه حرکت کرد.

خداوند عهد جدید، خدای گشاینده درهای بسته است [خدایی که فرصتهای کوتاهی را برای ما فراهم میکند تا ایمان خود را به اشتراک بگذاریم]. در سراسر کتاب اعمال رسولان، خدا در تلاش است. در همه جا، شهرها، ولایات، کشورها و مهمتر از همه در قلب افراد مختلف، درهای بازی برای کلام خدا وجود دارند.

اعمال باب ۸: ۲۶ تا ۳۸ را بخوانید. این آیات در خصوص راه هایی که فیلیپس برای هدایت خداوند می‌گشاید و واکنش او به فرصتهای الهی، چه چیزی به ما می آموزند؟

«فرشته خداوند فیلیپس را بسوی کسیکه در پی نور و آماده پذیرش انجیل بود راهنمایی کرد، و امروز فرشتگان قدم به قدم آن دسته از کارگران خداوند را هدایت می کند که اجازه میدهند تا روح القدس زبانهای آنان را تقدیس و قلبهایشان را تطهیر و لمس کند. فرشته ای که برای راهنمایی فیلیپس بسوی مرد حبشی فرستاده شد، خودش میتوانست پیغام خداوند را به مرد حبشی برساند، اما خداوند بدین طریق عمل نمی کند. این نقشه اوست که انسانها برای هموعان خود تلاش کنند» (الِن جی وایت، اعمال رسولان، صفحه ۱۰۹).

اگر ما هم گوش شنوا و چشمان بینا داشته باشیم، توسط فرشتگان نادیده خداوند هدایت میشویم تا حقایق ملکوت او را به جویندگان حقیقت برسانیم.

توجه کنید که چگونه کتب مقدس، اساس این داستان بودند. همچنین توجه داشته باشید که چگونه این مسئله بسیار مهم بود تا کسیکه کلام خدا را میدانست، بتواند آنرا به تفصیل شرح دهد. چه درس هایی در اینجا برای ما وجود دارند؟

۲۹ فروردین

جمعه

تفکری فراتر: از خانم الِن جی وایت بخوانید، «انجیل در سامره»، صفحات ۱۰۳ تا

۱۱۱، اعمال رسولان.

همه مردم اطراف ما در پی یافتن حقیقت جاودان هستند. همانطور که عیسی بدرستی آنرا بیان میکند، «پس به شاگردان خود گفت: در حقیقت محصول فراوان است ولی کارگر کم». مشکل، کمبود محصول نبود. عیسی با چشمان الهی مسح شده، فراوانی محصول را میدید در حالیکه شاگردان او فقط تضادها را می دیدند. راه حل عیسی مسیح برای این مشکل چه بود؟ «بنابراین شما باید از صاحب محصول درخواست نمایید تا کارگرانی برای جمع آوری محصول خود بفرستد» (متی ۹: ۳۸). راه حل این است که دعا کنید، تا خداوند شما را برای برداشت محصول خود بفرستد.

چرا اینگونه دعا نکنیم؟ «پروردگارا، من میخواهم از من برای پیشرفت ملکوت خودت استفاده کنی. چشمان من را باز کن تا بتوانم هر روزه فرصتهای کوتاهی را که در مقابل من قرار میدهی ببینم. به من بیاموز که نسبت به اطرافیان خودم حساس باشم. به من کمک کن تا سخنان امیدوار کننده و تشویق کننده بیان کنم و محبت و حقیقت تو را با آنانیکه هر روزه با آنان در تماس هستم به اشتراک بگذارم». اگر شما مشتاق باشید که این دعا را بکنید، خداوند کارهای فوق العاده ای در زندگی شما خواهد کرد.

سؤالاتی برای بحث

۱. اگر تلاش کرده اید تا جان‌هایی را به سوی مسیح بیاورید، از یک چیز آگاه هستید: همیشه اینکار آسان نیست، اینطور نیست؟ بله، مطمئناً، فقط خداوند میتواند قلبها را تغییر دهد، اما او با حکمت خود تصمیم گرفته است تا ما هم بخشی از این روند باشیم. حتی کار برای نجات یک انسان نیارمند زمان، تلاش، صبر، و محبتی است که از آسمان داده شده باشد. چه تصمیماتی میتوانید بگیرید که به شما کمک کند تا به منظور شاهد مسیح بودن خویشتن انکاری و ایثار کنید؟

۲. برخی از افرادی که پیاپی آنان در تماس هستید و مسیح را نمیشناسند، چه کسانی هستند؟ چه کاری انجام داده‌اید، یا در حال انجام دادن هستید، یا باید انجام دهید، تا برای آنان شاهد [سفیر مسیح] باشید؟

۳. در مورد پولس از شهر طرسوس بیندیشید. در اینجا کسی وجود دارد که به نظر می‌رسد خیلی سختگیر باشد که تغییر کند! ولی با اینحال، میدانیم که چه اتفاقی برای او رخ داد. این مطلب چه چیزی را در مورد خطر پیش‌قضواتی دیگران بر اساس ظواهر آنان به ما می‌گوید؟

۴. با یادآوری حکایت شائول، نظر ما در مورد آیه ای مانند متی باب ۷: ۶ - «آنچه مقدس است به سگان ندهید و مرواریدهای خود را جلوی خوک‌ها نریزید. مبادا آنها را زیر پا لگدمال کنند و برگشته شما را بدرند، چه می‌تواند باشد؟